

تأثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

یداله تاروی وردی* مهدی مرادزاده فرد** مریم رستمی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱۴

چکیده

در این تحقیق اثر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی مورد بررسی قرار گرفته است. برای محاسبه اقلام تعهدی رویکرد گردش وجوه نقد به کار رفته است. برای مدیریت سود از مدل کاسنیک استفاده شده است. همچنین برای دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی از مدل تعدیل‌شده بارث استفاده شده است. فرضیه پژوهش از طریق داده‌های تلفیقی با استفاده از اطلاعات ۷۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی باعث کاهش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌شود یعنی هدف از انجام مدیریت سود جهت‌گیری به سمت تحریف گزارش‌های مالی و منافع فرصت‌طلبانه دارد. واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، مدیریت سود فرصت‌طلبانه، مدل کاسنیک، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی، مدل تعدیل‌شده بارث.

* استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات.

Tariverdi76ir@yahoo.com

** استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج.

*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۱- مقدمه

وقایع نامطلوبی از دست‌کاری گزارش‌های مالی توسط مدیریت در گذشته وجود دارد. وقوع دو بحران عظیم در بازار سهام آمریکا، اولی در سپتامبر ۱۹۲۹ و دومی در ژانویه ۲۰۰۰ ناشی از گزارش سودهای ساختگی شرکت انرون و وردکام (برملا شدن سود ساختگی ۳۸ میلیارد دلاری آن) باعث شد که کیفیت اطلاعات حسابداری مورد تردید واقع شود و همچنین ورشکستگی شرکت‌های عظیم دیگر نظیر آدلفی، سیسکو، لیوسنت و زیراکس سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه ساخت. این بحران نشان داد که خوش بینی نسبت به فرآیند گزارشگری مالی تا چه اندازه ممکن است زیان‌بار باشد.

از سویی تغییر رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول، تاکید بر استقلال حساب‌رسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت از منافع سهامداران جزء از جمله تدابیر اتخاذ شده برای جلب اعتماد عمومی بود.

از سوی دیگر تدوین قوانین سخت‌تر از سوی مقامات به عنوان راه‌حلی دیگر در نظر گرفته شد. قانون اوراق بهادار (۱۹۳۳) و متعاقب آن قانون بورس و اوراق بهادار (۱۹۳۴) که باعث تأسیس کمیسیون بورس اوراق بهادار گردید نتیجه مستقیم بحران اول تلقی می‌شود. قانون ساریینز آکسلی (۲۰۰۲) نتیجه بحران دوم بود.

همچنین محققان و جامعه دانشگاهی نیز موضوع تحقیقات تجربی‌شان را از توجه ویژه بر رابطه میان سود و بازده یا رفتار قیمت سهام، به کیفیت گزارشگری مالی و تأثیر آن بر استفاده‌کنندگان از این گزارش‌ها علی‌الخصوص سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان سوق دادند تا بتوانند در این خصوص نقش مفیدی ایفاء کنند.

به علاوه در این خصوص تحقیقات مربوط به مدیریت سود از جذابیت بالایی در بین محققان حسابداری برخوردار بوده است. گواه این ادعا کثرت تحقیقات انجام‌شده

تاثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی..... ۱۴۳

در این زمینه می‌باشد. طبق بررسی‌های انجام‌شده توسط مک نیکولز^۱ (۲۰۰۰) فراوانی نسبی تحقیقات مرتبط با مدیریت سود نسبت به سایر موضوعات در اواخر دهه ۹۰ افزایش زیادی داشته است. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ این شاخص به ۲۰ درصد کل مقالات انتشاریافته توسط ۸ مجله معتبر حسابداری و مدیریت مالی آمریکا رسیده است.

عواملی که درگیر در تعیین کیفیت گزارشگری مالی می‌باشند شامل عوامل درون‌زا و برون‌زا می‌شوند. بسیاری از تحقیقات، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها را با دیدگاه رویدادی، صرفاً به استانداردهای حسابداری و مبانی نظری نسبت داده و در مورد تبیین کیفیت گزارشگری مالی از نظر دستورالعمل‌های بیرونی ناظر بر آن برآمده‌اند. نقطه ضعف عمده بسیاری از مطالعات تجربی انجام‌شده درباره کیفیت گزارشگری مالی، عدم توجه به ماهیت درون‌زای تصمیم درباره کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. یکی از عوامل درونی مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی، مدیریت سود می‌باشد. علی‌رغم اینکه تحقیقات زیادی در زمینه مدیریت سود انجام‌شده اما در مورد تأثیر آن بر روی کیفیت گزارشگری مالی تحقیقات اندکی انجام شده است. بنابراین در تحقیق حاضر قصد بر آن است تا اثر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی که یکی از شاخص‌های کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد مورد آزمون قرار گیرد تا مشخص شود که آیا پدیده مدیریت سود باعث افزایش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌شود یا تنزیل آن را به همراه دارد.

۲- بیان مساله

اطلاعات به‌دست‌آمده از سیستم اطلاعاتی حسابداری یکی از بهترین منابع در دسترس برای استفاده‌کنندگان جهت اخذ تصمیم‌گیری‌های آنان درباره واحد تجاری

1. Mc Nichols

۱۴۴..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

می‌باشد. نتیجه نهایی کار سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری گزارش‌های مالی می‌باشد. کلیه استفاده‌کنندگان جهت بررسی واحد تجاری به این گزارش‌های مالی اتکاء می‌کنند. اگر گزارشگری مالی از کیفیت لازم برخوردار باشد تصمیم‌های درستی توسط استفاده‌کنندگان اخذ خواهد شد. این تصمیم‌های درست منجر به تخصیص بهینه منابع خواهد شد که این تخصیص بهینه منابع در وضعیت اقتصادی هر کشور تأثیر بسزایی دارد.

قبل از انقلاب صنعتی، یعنی زمانی که تئوری سستی مالک-مدیر حاکم بود مشکل خاصی در این زمینه وجود نداشت اما بعد از انقلاب صنعتی، یعنی هنگامی که مالکیت از مدیریت تفکیک گردید و تئوری نمایندگی به وجود آمد موضوع گزارشگری مالی از درجه اهمیت بالایی برخوردار شد. (تاری وردی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۴)

تئوری نمایندگی به این معنی می‌باشد که بین مالک (موکل) و مدیر (نماینده) قراردادی منعقد می‌شود تا در نماینده‌ای که به شیوه بخردانه عمل می‌کند انگیزه ایجاد شود و در زمانی که امکان دارد منافع نماینده با منافع موکل در تضاد باشد از جانب موکل عمل نماید. این انگیزه می‌تواند از طریق اعطای پاداش به مدیر (نماینده) براساس سود و بازده باشد.

در بیانیه شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی آمده است که کانون توجه گزارشگری مالی، اطلاعات مربوط به عملکرد واحد انتفاعی است که توسط معیارهای سود و اجزای تشکیل‌دهنده آن تأمین می‌شود.

استفاده از سود به عنوان شاخص عملکرد ممکن است با اعمال نظر مدیریت همراه باشد. از یک طرف اعمال نظر مدیریت ممکن است به سبب انگیزه فرصت‌طلبی در جهت منافع شخصی باشد که به آن دست‌کاری فرصت‌طلبانه می‌گویند. از طرف دیگر، ممکن است مدیران به دلیل دسترسی داشتن به اطلاعات محرمانه مربوط به شرکت با اعمال نظر در رویه‌های حسابداری درصدد انتقال اطلاعات شخصی به استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی برآیند. مورد اخیر باعث افزایش محتوای اطلاعاتی سود حسابداری

می‌شود که خود سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و استفاده‌کنندگان و همچنین افزایش ارزش گزارشگری مالی از نظر مربوط بودن می‌شود. (مهرآذین، ۱۳۸۷، ص ۳)

بنابراین در صورت محدود کردن دامنه اعمال نظرات فرصت‌طلبانه از سوی مدیریت، گزارشگری مالی از محتوای اطلاعاتی افزون‌تری برخوردار می‌شود. این کار از طریق تدوین استانداردهای حسابداری و همچنین با توجه به نقش حساب‌برسان در معتبر نمودن گزارش‌های مالی انجام می‌شود. استفاده‌کنندگان در قبال پرداخت هزینه‌هایی از جمله هزینه‌های حسابرسی سعی در کاهش محدودده اعمال نظرات فرصت‌طلبانه مدیریت دارند. بدین ترتیب، فرآیند تعیین سود نتیجه مصالحه بین دو ویژگی مربوط بودن و قابلیت اتکا بودن می‌باشد. (همان منبع، ص ۴)

اهداف گزارشگری مالی، ایجاب می‌کند اطلاعاتی که گزارشگری مالی فراهم می‌آورد از ویژگی‌های معینی برخوردار باشد. دو ویژگی که اطلاعات مالی را مفید می‌سازد، شامل مربوط بودن و قابلیت اتکاء است. معمولاً این دو ویژگی را نمی‌توان حداکثر نمود. بنابراین طبق مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران، هدف دستیابی به نوعی توازن بین خصوصیات مربوط بودن و قابلیت اتکاء است. (مفاهیم نظری گزارشگری مالی بند ۳۳-۲)

طبق چارچوب نظری هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، هدف گزارشگری مالی، تهیه اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری است (بیانیه مفهومی شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا ۱۹۷۸) که به عنوان معیاری برای ارزیابی کیفیت سود در نظر گرفته می‌شود. یکی از اهداف گزارشگری سود، پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. در این راستا افراد به دنبال کیفیت سودی هستند که بتوانند جریان‌های نقدی عملیاتی آتی را برآورد نمایند و در صورتی که سود گزارش شده توسط واحد تجاری از کیفیت بالایی

۱۴۶..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

برخوردار باشد افراد بیشتری برای تصمیم‌گیری از آن استفاده می‌کنند.
بنابراین در تحقیق حاضر اثر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی که خود معیاری از کیفیت سود می‌باشد، مدنظر قرار گرفته است.
مدیریت سود در صورتی که هدف از آن دست‌کاری فرصت‌طلبانه باشد باعث کاهش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌گردد. همچنین مدیریت سود در صورتی که هدف از آن انتقال اطلاعات محرمانه به استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی باشد باعث افزایش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌گردد.
با توجه به مطالب ذکرشده پرسش اصلی که این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ برای آن می‌باشد، به صورت زیر است:

- مدیریت سود چه تأثیری بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی دارد؟

۳- پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی

مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف این پژوهش فهم این مطلب است که چرا مدیران به دنبال دست‌کاری سود هستند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در شرکت‌های مورد مطالعه مدیریت سود اعمال شده است. در واقع مدیریت شرکت‌ها به هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است به منظور جبران این موضوع اقدام به افزایش سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری می‌کنند.

نوروش و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ در ایران نیز اقدام به مدیریت سود کرده‌اند و انگیزه اعمال این مدیریت با افزایش بدهی

تأثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی..... ۱۴۷

بیشتر می‌شود. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های بزرگ از ارقام تعهدی برای کمتر کردن مالیات شرکت‌هایشان استفاده می‌نمایند. با بزرگتر شدن شرکت‌ها، تمایل مدیران به مدیریت سودشان بیشتر خواهد شد.

حقیقت و رایگان (۱۳۸۷) نیز به بررسی این موضوع پرداختند که آیا هموارسازی سود اطلاعات سود را تحریف می‌کند یا آگاهی‌دهندگی سود جاری را درباره سودها و جریان‌ات نقدی آینده ارتقا می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان داد که هموارسازی سود باعث می‌شود اطلاعات سود تحریف شود و همچنین هموارسازی سود پایداری سود را افزایش نمی‌دهد.

مهرانی و عارف‌منش (۱۳۸۷) به بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های بورس تهران پرداختند. این تحقیق شواهدی را در مورد خصوصیات شرکت‌هایی که مدیران آنها با استفاده از ارقام تعهدی به هموارسازی سود می‌پردازند، فراهم می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های هموارساز در مقایسه با شرکت‌های غیر هموارساز با داشتن عملکرد ضعیف‌تر، انگیزه بیشتر و با دارا بودن ارقام تعهدی اختیاری بزرگ‌تر فرصت بیشتری جهت هموارسازی سود دارند.

بهارمقدم و کوهی (۱۳۸۷) در تحقیق خود به بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این تحقیق با آزمون رابطه بین مدیریت سود و سودآوری آتی، کارا یا فرصت‌طلبانه بودن عمل مدیریت سود، موردبررسی قرار گرفته است. علاوه بر این، در این تحقیق ۵ الگوی مدیریت سود یعنی الگوی جونز (۱۹۹۱)، الگوی تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۵)، الگوی کاسنیک (۱۹۹۹) و همچنین الگوهای متغیر تغییرات موجودی کالا اضافه‌شده به الگوی تعدیل‌شده جونز و کاسنیک مورد مقایسه قرار گرفتند.

نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در بورس تهران مدیریت سود به کارا بودن گرایش دارد. همچنین در مورد نتایج مقایسه بین الگوها نشان می‌دهد که به ترتیب

۱۴۸..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

الگوی تعدیل‌شده کاسنیک و الگوی کاسنیک با توجه به محیط اقتصادی ایران برای اندازه‌گیری مدیریت سود در مقایسه با سایر الگوهای ارائه‌شده از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بسیاری برخوردار است. توانایی الگوی جونز و همچنین مدل تعدیل‌شده جونز در تجزیه درست اقلام تعهدی به اختیاری و غیر اختیاری قابل‌تردید است و در نتیجه احتمال طبقه‌بندی نادرست اقلام تعهدی به اختیاری و غیر اختیاری می‌باشد.

سعید جبارزاده کنگرلویی و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌ها در مرحله نهفتگی ارتباط معناداری وجود ندارد. اما بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌ها در مرحله کسری وجه نقد و عدم قدرت پرداخت دیون مالی و تجاری ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌ها در مرحله عدم قدرت پرداخت دیون کامل (درماندگی مالی کامل)، ارتباط معناداری وجود دارد. پس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که یکی از انگیزه‌های انجام مدیریت سود می‌تواند بهتر نشان دادن وضعیت مالی شرکت‌ها جهت حفظ خود در بازار سرمایه باشد.

طالب‌نیا و تفتیان (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و هیات‌مدیره با مدیریت سود پرداختند. نتایج آماری نشان داد که بین درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، درصد مالکیت اعضای هیات‌مدیره و تعداد اعضای غیر موظف هیات‌مدیره و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که افزایش درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، درصد مالکیت اعضای هیات‌مدیره و تعداد اعضای غیر موظف هیات‌مدیره می‌تواند باعث کاهش مدیریت سود شود.

نهندي (۱۳۸۸) الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران ارائه نمود. موضوع تحقیق تعیین عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. در این تحقیق دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

به عنوان شاخص کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از مدل بارث در نظر گرفته شده است. در این تحقیق اثر متغیرهای مستقل اهرم مالی، میزان رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیات مدیره، اعضای هیات مدیره، صداقت، سرمایه بر بودن، رقابت در بازار محصول شرکت، حاشیه سودآوری، محافظه‌کاری مدیریت، کارایی، اندازه شرکت، چرخه عملیاتی، پیچیدگی محیط فعالیت شرکت بر روی کیفیت گزارشگری مالی مورد آزمون قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت گزارشگری مالی با رقابت در بازار محصول، محافظه‌کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت از رابطه منفی و با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت شرکت از رابطه مثبت معناداری برخوردار است.

نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) در بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود مشخص نمودند که: (۱) شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی بوده‌اند (خواه اینکه دارای حاکمیت شرکتی قوی یا ضعیف باشند) اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند یعنی در این گونه شرکت‌ها مدیریت سود کمتر اتفاق می‌افتد (۲) شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی می‌باشند در سطوح یکسان توانایی حاکمیت شرکتی نیز دارای اقلام تعهدی اختیاری کمتری هستند (۳) شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند. به‌طورکلی نتایج بیانگر آن است که کفایت حاکمیت شرکتی نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد. بدین ترتیب نتایج گویای این مطلب است که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین‌کننده مؤثر بر مدیریت سود است.

بزاززاده و دهقان (۱۳۹۰) به بررسی «رابطه وجه نقد حاصل از عملیات و مدیریت سود: آزمون مدل k-s» پرداختند. در این تحقیق از رابطه بین وجه نقد عملیاتی به عنوان معیار سنجش عملکرد و اقلام تعهدی، مانده اقلام تعهدی اختیاری و تغییرات مانده

۱۵۰..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

اقدام تعهدی (سنجیده شده با استفاده از مدل k-s) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان داد در اکثر پرتفوها، مدیریت سود انجام می‌شود. همچنین آزمون مدل رگرسیون نشان می‌دهد که در مجموع شرکت‌ها با عملکرد خوب مایل به دست‌کاری سود برای کاهش آن هستند. اما میزان مدیریت سود در پرتفوهایی با وجه نقد عملیاتی مثبت در مجموع در سطح پایینی قرار دارد. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهند که شرکت‌هایی با عملکرد ضعیف مایل به دست‌کاری سود برای افزایش آن هستند.

تحقیقات خارجی

جرالد و جیان^۱ (۲۰۰۱) به بررسی رابطه بین کیفیت افشاء و مدیریت سود پرداختند. برای اندازه‌گیری کیفیت افشاء از طریق ارزشیابی انجمن تحقیق و مدیریت سرمایه‌گذاری و برای مدیریت سود از مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است. نتایج تحقیق به این شرح می‌باشد که بین کیفیت افشاء و مدیریت سود رابطه منفی قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد. به این معنی که هر چه مدیران کمتر هموارسازی سود را انجام می‌دهند تمایل بیشتری به افشاء اطلاعات دارند و به‌طور برعکس. این نتیجه نشان می‌دهد که هدف از انجام مدیریت سود برای منافع طلبانه می‌باشد.

ریچاردسون و همکاران^۲ (۲۰۰۲) در دوره زمانی ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۰ پیش‌بینی مدیریت سود در حالت اظهار مجدد سود را بررسی نمودند. در این تحقیق بیان می‌شود که شرکت‌هایی که صورت سود و زیان را مجدداً اظهار می‌کنند شرکت‌هایی می‌باشند که سطح بدهی بالایی را دارند و به دلیل قراردادهایشان و همچنین فشار بازار سرمایه سود خود را متورم نشان می‌دهند. این‌گونه شرکت‌ها سعی می‌کنند که سود خود را با یک رشد مثبت دست‌کاری کنند و این دست‌کاری از طریق اجزای اقلام تعهدی به ویژه عملیاتی و سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد. پیشنهاد داده‌شده به بازار سرمایه این است

1. Jerald & Jian

2. Richardson et. al.

که صورت‌های مالی را با دقت جهت تشخیص مدیریت سود ملاحظه کنند.

زیودیگران^۱ (۲۰۰۳) به بررسی نقش هیات مدیره و کمیته حسابرسی در جلوگیری از مدیریت سود پرداختند و بر اقلام تعهدی اختیاری جاری متمرکز شدند، زیرا امکان دست‌کاری این اقلام برای مدیران آسان‌تر است. نتایج این تحقیق نشان داد که نسبت مدیران غیر موظف مستقل با اقلام تعهدی اختیاری رابطه معکوس دارد.

پیسنل و همکاران^۲ (۲۰۰۵) به بررسی مدیریت سود در کشور انگلیس پرداختند. در پژوهش آنها در بحث هیات مدیره بر نقش مدیران غیر موظف و کمیته حسابرسی متمرکز گردید. نتایج پژوهش آنها این بود که تعداد مدیران غیر موظف با احتمال مدیریت اقلام تعهدی غیرعادی به منظور اجتناب از گزارشگری زیان یا کاهش سود رابطه معکوس دارد.

تاگر و زاروین^۳ (۲۰۰۶) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا هموارسازی سود اطلاعات سود را تحریف می‌کند یا آگاهی‌دهندگی سود جاری را درباره سودها و جریانات نقدی آینده ارتقا می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اختیار عمل مدیران در گزارشگری مالی می‌تواند اطلاعات بیشتری را درباره سودها و جریانات نقدی آتی آشکار نماید. همچنین در مورد آزمون پایداری سود نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هموارسازی سود پایداری سود را افزایش می‌دهد. با توجه به این که این تحقیق مشابه با تحقیق حمید حقیقت و احسان رایگان (مطرح شده در بالا) می‌باشد، اما نتایج آنها مغایر است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هموارسازی سود در بورس اوراق بهادار تهران برخلاف بورس آمریکا بیشتر به قصد تحریف اطلاعات انجام می‌شود.

1. xie & et al
2. peasnell
3. Tucker & Zarowin

۱۵۲..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

سیوارماکریشنن و یو^۱ (۲۰۰۸) به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که بدون در نظر گرفتن توانایی حاکمیت شرکتی کیفیت گزارشگری مالی برای شرکت‌هایی بیشتر است که در گذشته نسبت به رقبای موجود در صنعت پیشی گرفته‌اند. همچنین کیفیت گزارشگری مالی برای چنین شرکت‌هایی پس از کنترل توان نظام حاکمیت شرکتی بیشتر است.

نورونها و همکاران^۲ (۲۰۰۸) در تحقیقی که در بین شرکت‌های چینی انجام دادند دریافتند که عملکرد عملیاتی شرکت با انگیزه و پاداش مدیران رابطه دارد. به عبارت دیگر فشارهای بازار سرمایه مهمترین عامل انگیزش برای مدیریت سود توسط مدیران است.

قوش و اولسون^۳ (۲۰۰۹) دریافتند مدیران به صورت راهبردی از انعطاف و اختیارات نسبت به ارقام تعهدی حسابداری که محیط حسابداری به آنها می‌دهد در جهت هموارسازی سود استفاده می‌کنند. آنها همچنین دریافتند که مدیران بسته به ماهیت عملیات شرکت، بصورت راهبردی از ارقام تعهدی با انتقال سود از یک دوره به دوره دیگر برای کاهش نوسانات سود استفاده می‌کنند.

رینا و تاکیا^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که چقدر جریان نقدی آزاد مازاد به مدیریت سود مربوط است. در این مطالعه فرض بر این است که مدیران شرکت‌هایی که از جریان نقدی آزاد بالایی برخوردارند شدت عمل خوبی در اداره مدیریت سود دارند. هر چند کمیته حسابرسی از استقلال بیشتری برخوردار باشد مدیریت سود به طور مکرر اتفاق نمی‌افتد. کمیته حسابرسی مستقل یک نظارت مؤثر بر رویه‌های مدیریت سود فراهم می‌کند. این بررسی انتظار دارد که رابطه مثبتی بین جریان نقدی آزاد و مدیریت سود که به وسیله کمیته حسابرسی مستقل تعدیل شده است، به دست آورد. یک نمونه از ۱۵۵ شرکت لیست شده در هیات اصلی از بورس مالزی در

1. Sivaramakrishnan & Yu
2. Noronha et. al
3. Ghosh & Olsen
4. Rina & Takiah

سال ۲۰۰۱ به کار گرفته شده است. این بررسی شواهد تجربی مطابق با پیش‌بینی همه فرضیه‌ها به دست می‌آورد. این بررسی نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی مستقل به شرکت‌هایی که دارای جریان نقدی آزاد هستند کمک می‌کند درآمد عملیات مدیریت سود رو به افزایش را کاهش بدهند.

عابد و همکاران^۱ (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های اردنی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که از بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (اعضای غیر موظف هیات مدیره، اندازه هیات مدیره، درصد مالکیت داخلی) تنها اندازه هیات مدیره دارای رابطه معناداری با مدیریت سود می‌باشد. البته نتایج این تحقیق مشخص می‌کند که بخشی از شرکت‌ها از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی پیروی نمی‌کنند.

۴- فرضیه تحقیق

با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده در ایران (مطرح شده در پیشینه تحقیق) به جز تحقیق آقای بهارمقدم و کوهی در زمینه هدف از انجام مدیریت سود، می‌توان گفت که مدیریت سود در جهت فرصت طلبانه انجام می‌شود. بنابراین فرضیه تحقیق در جهت اثبات این موضوع می‌باشد:

مدیریت سود، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی را کاهش می‌دهد (مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه است).

۵- جامعه و نمونه آماری تحقیق

دوره مطالعه یک دوره زمانی ۱۰ ساله براساس صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ می‌باشد. البته با توجه به این موضوع که برای آزمون

1. Abed & et al

۱۵۴..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

برخی مدل‌های تحقیق به محاسبه تغییرات سال t نسبت به سال $t-1$ نیاز است یا اینکه در برخی مدل‌های استفاده شده، روابط متغیرهای سال t با سال $t+1$ سنجیده می‌شود، عملاً دوره تحقیق محدود به ۸ سال است. دلیل انتخاب سال ۱۳۸۰ نیز این است که استانداردهای حسابداری از سال ۱۳۸۰ لازم‌الاجرا گردید.

جامعه آماری متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و نمونه آماری شامل شرکت‌هایی است که مجموعه شرایط زیر را داشته باشند:

۱. شرکت‌ها از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ در بورس تهران حضور داشته باشند.
 ۲. شرکت‌ها سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی و بیمه نباشند زیرا در این گونه شرکت‌ها دست‌کاری سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری کمتر صورت می‌گیرد و بیشتر از طریق فروش سرمایه‌گذاری‌ها و سایر روش‌های موجود صورت می‌گیرد.
 ۳. شرکت‌ها در طول سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ معاملاتشان دچار وقفه نشده باشد و سهام آنها در طول سال‌های مذکور در بورس فعال باشد. در این تحقیق شرکت‌هایی انتخاب شده است که وقفه معاملاتی آنها در بازه ۶ ماهه وقفه معاملاتی ≤ 0 روز قرار می‌گیرد.
 ۴. شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها منتهی به ۱۲/۲۹ باشد.
 ۵. شرکت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ تغییر سال مالی نداده باشند.
 ۶. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های توضیحی مربوط به آنها در دسترس باشد.
- پس از اعمال موارد بالا در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۶۹ شرکت به دست آمد. شرکت پارس خودرو تمام شرایط مذکور را دارد اما در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ سهام آن در بورس معامله نشده است ولی در بقیه دوره‌ها وقفه معاملاتی آن به صورت ۳ ماهه ≤ 0 وقفه معاملاتی ≤ 0 روز می‌باشد. این شرکت نیز به نمونه آماری اضافه شد. بدین ترتیب نمونه تحقیق شامل ۷۰ شرکت می‌باشد.

۶- متغیرهای تحقیق

اِقلام تعهدی^۱

محاسبه اقلام تعهدی از طریق رویکرد ترازنامه‌ای دقیق‌تر از رویکرد گردش وجوه نقد می‌باشد. اما در این تحقیق به دلیل محدودیت در به دست آوردن حصه جاری بدهی‌های بلندمدت از روش مبتنی بر صورت گردش وجوه نقد برای محاسبه اقلام تعهدی استفاده شده است.

(تغییرات وجوه نقد- Δ دارایی‌های جاری)= اقلام تعهدی طبق رویکرد ترازنامه‌ای هزینه استهلاک- (Δ حصه جاری بدهی‌های بلندمدت- Δ بدهی‌های جاری)-
دارایی‌های ثابت)- سود خالص) = اقلام تعهدی طبق رویکرد گردش وجوه نقد
(سود (زیان) حاصل از فروش سرمایه‌گذاری‌ها + سود (زیان) حاصل از فروش
(مالیات پرداختی - بهره دریافتی (پرداختی) + سود سهام دریافتی) + جریانات نقدی عملیاتی)-

۶-۱- مدل‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری مدیریت سود

از بین دو مدل کاسنیک و مدل تعدیل‌شده جونز، مدلی جهت آزمون فرضیه استفاده شده است که قدرت تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل آن ((R2 بیشتر به دست آمده است. با توجه به نتایج حاصله، برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل کاسنیک استفاده شده است.

همچنین طبق تحقیق انجام شده توسط بهارمقدم و کوهی تحت عنوان «بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» می‌توان از مدل کاسنیک به عنوان یک مدل اندازه‌گیری مدیریت سود که با جامعه بورس تهران سازگار می‌باشد، استفاده نمود.

۱۵۶..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

۶-۱-۱- مدل کاسنیک^۱ (۱۹۹۹)

تفاوت مدل کاسنیک با مدل تعدیل‌شده جونز در این است که در این مدل از متغیر تغییر در جریان‌ات نقدی عملیاتی هم به عنوان متغیر مستقل استفاده شده است. مدل کاسنیک طبق رابطه ۱ می‌باشد:

$$TAit/At-1 = \alpha_0 (1/At-1) + \alpha_1 [(\Delta REV_{it} - \Delta ARI_{i,t}) / At-1] + \alpha_2 (PPE_{it} / At-1) + \alpha_3 (\Delta CFO_{it} / At-1) + \epsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن:

ΔREV_t : درآمد سال t منهای درآمد سال $t-1$

$\Delta ARI_{i,t}$: خالص حساب‌های دریافتی در سال t منهای خالص حساب‌های دریافتی در سال $t-1$

PPE_t : ارزش ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t

$At-1$: دارایی‌های دوره $t-1$

ΔCFO_{it} : جریان‌ات نقدی عملیاتی سال t منهای جریان‌ات نقدی عملیاتی سال $t-1$

۶-۲- مدل مورد استفاده برای اندازه‌گیری دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

۶-۲-۱- مدل بارث و دیگران^۲ (۲۰۰۱)

برای اندازه‌گیری میزان دقت به صورت تجربی، از پسماندهای معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی با استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده سود دوره گذشته استفاده می‌شود. در این تحقیق مبنای اندازه‌گیری دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی پسماندهای به دست آمده از برآورد مدل رگرسیونی رابطه ۲ می‌باشد:

1. Kasznik
2. Barth et. al

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta ARI_{i,t} + \beta_3 \Delta INVI_{i,t} + \beta_4 \Delta API_{i,t} + \beta_5 DEPRI_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در آن:

$CFO_{i,t}$: جریان نقدی حاصل از عملیات برای شرکت i در سال t

$\Delta ARI_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتنی

$\Delta INVI_{i,t}$: تغییر در موجودی‌ها

$\Delta API_{i,t}$: تغییر در حساب‌های پرداختنی و بدهی‌های معوق

$DEPRI_{i,t}$: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود

$OTHER_{i,t}$: خالص سایر اقلام تعهدی که طبق رابطه ۳ محاسبه می‌شود:

$$OPI_{i,t} - (CFO_{i,t} + \Delta ARI_{i,t} + \Delta INVI_{i,t} - \Delta API_{i,t} - DEPRI_{i,t}) \quad (3)$$

$OPI_{i,t}$: سود عملیاتی

$\epsilon_{i,t}$: مقدار خطا که فرض می‌شود دارای میانگین صفر و واریانس ثابت باشد.

تمام متغیرهای رگرسیون به صورت نسبی از کل دارایی‌های دوره قبل ارائه می‌شوند.

معیار تجربی اندازه‌گیری دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی، قدر مطلق

پسماندها یعنی $RES = |e_{i,t}|$ می‌باشد. این پسماندها عدم ارتباط جریان‌های نقدی

عملیاتی آینده با سودهای عملیاتی جاری را منعکس می‌کند. هر قدر اندازه پسماندها

کمتر باشد، نشانگر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌باشد. اگر

پسماندهای رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی آینده و سود عملیاتی جاری، مساوی و

یا کمتر از میانه آنها باشد دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی برابر با یک و

اگر کمتر باشد، برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. (نهندي، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸)

رابطه ریاضی این شاخص به صورت زیر می‌باشد:

میانه $|et|$ شرکت‌ها $|ei,t| \leq 1$ اگر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

میانه $|et|$ شرکت‌ها $|ei,t| > 0$ اگر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از

۱۵۸..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

مدل بارث که طبق رابطه ۴ مورد تعدیل قرار گرفته است، استفاده می‌شود. در واقع از جریانات نقدی عملیاتی هزینه استهلاک کسر شده است.

$$\text{CFO}_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 (\text{CFO}_{i,t} - \text{DEPR}_{i,t}) + \beta_2 \Delta \text{ARI}_{i,t} + \beta_3 \Delta \text{INVI}_{i,t} + \beta_4 \Delta \text{API}_{i,t} + \beta_5 \text{DEPR} + \beta_6 \text{OTHER}_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (4)$$

۳-۶- متغیر کنترلی

۳-۶-۱- اندازه^۱:

اندازه لگاریتم طبیعی ارزش دفتری مجموع دارایی‌های شرکت می‌باشد. این متغیر به صورت رابطه ۵ اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{SIZE: LN} (A_{i,t}) \quad (5)$$

۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- برآورد مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود

طبق جدول ۱، با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی تعدیل‌شده جونز و کاسنیک مشخص می‌شود که مدل کاسنیک به دلیل دارا بودن قدرت تبیین بیشتر متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل (R2) به مقدار ۳۰/۷ درصد نسبت به مدل تعدیل‌شده جونز به مقدار ۴/۷ درصد جهت آزمون فرضیه تحقیق مناسب‌تر می‌باشد. همچنین آماره دوربین واتسون در دو مدل نشان می‌دهد که بین باقیمانده‌های حاصل از مدل رگرسیونی تعدیل‌شده جونز و همچنین مدل رگرسیونی کاسنیک ارتباطی وجود ندارد.

جدول ۱- خلاصه مدل‌ها

مدل	R^2	R^2 تعدیل شده	دوربین واتسون
مدل تعدیل شده جونز	۰.۰۴۷	۰.۰۴۲	۱.۶۳۰
مدل کاسنیک	۰.۳۰۷	۰.۳۰۲	۱.۱۵۹

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۷- برآورد مدل اندازه‌گیری دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی

طبق جدول ۲، با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی تعدیل شده بارث مشخص می‌شود که متغیرهای مستقل مدل قدرت تبیین ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارا می‌باشند. همچنین آماره دوربین واتسون نشان می‌دهد که بین باقیمانده‌های حاصل از مدل ارتباطی وجود ندارد.

جدول ۲- خلاصه مدل

مدل	R^2	R^2 تعدیل شده	دوربین واتسون
مدل تعدیل شده بارث	۰.۵۸۹	۰.۵۸۵	۲.۱۶۱

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۷- آزمون فرضیه تحقیق

۱-۳-۷- مدل رگرسیونی

مدیریت سود، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی را کاهش می‌دهد (مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه است).

در صورتی که دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی بالا باشد، دقت برابر با یک و در صورتی که دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی پایین باشد، دقت برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که متغیر وابسته دوحالتی (مجازی) است و

۱۶۰..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

متغیرهای مستقل کمی هستند از روش رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود.
طبق جدول ۳، مقدار سطح معنی‌داری برای مدیریت سود برابر با ۰/۰۰۹ (معنادار و منفی)، برای اندازه شرکت برابر با ۰/۰۲ (معنادار و مثبت) و برای مقدار ثابت برابر با ۰/۰۴۸ (معنادار و منفی) به دست آمده است.

همچنین با توجه به ستون EXP (B) جدول ۳، می‌توان چنین بیان کرد که با افزایش یک واحد مدیریت سود شانس بادقت بودن نسبت به بی‌دقت بودن ۰/۰۴۲ برابر می‌باشد. همچنین با افزایش یک واحد اندازه شرکت، شانس بادقت بودن به بی‌دقت بودن ۱/۱۵ برابر می‌باشد.

جدول ۳- ضرایب و سطح معناداری متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	ضریب متغیر مستقل	آماره WALT	سطح معناداری	EXP (B)
مدیریت سود	-۳.۱۶۵	۶.۷۶۶	۰.۰۰۹	۰.۰۴۲
اندازه شرکت	۰.۱۳۹	۵.۴۰۶	۰.۰۲۰	۱.۱۵۰
مقدار ثابت	-۱.۵۹۳	۳.۹۲۴	۰.۰۴۸	۰.۲۰۳

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه می‌توان با اطمینان ۹۵٪ بیان کرد که مدیریت سود و دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی رابطه معنادار و منفی دارند؛ یعنی مدیریت سود باعث کاهش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌شود (مدیریت سود از نوع فرصت‌طلبانه است). همچنین اندازه شرکت و دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی رابطه معنادار و مثبت دارند؛ یعنی هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی افزایش می‌یابد.

۲-۳-۷- آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها در دو گروه از شرکت‌های بادقت و بی‌دقت برای انجام آزمون مقایسه میانگین نمونه‌ها می‌بایست ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌های تحقیق بررسی شود. برای انجام آزمون توزیع داده‌های تحقیق از آزمون

تأثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی..... ۱۶۱

کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است.

طبق جدول ۴، در جامعه بی‌دقت از آنجا که سطح معنی‌داری Z برابر با ۰/۰۰۰ است و این مقدار کمتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

همچنین طبق جدول ۴، در جامعه بادقت از آنجا که سطح معنی‌داری Z برابر با ۰/۰۰۰ است و این مقدار کمتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون تشخیص نرمال بودن داده‌ها در دو جامعه

سطح معناداری	آماره Z	جامعه
۰.۰۰۰	۲.۰۸۳	بی‌دقت
۰.۰۰۰	۲.۵۴۹	بادقت

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷-۳-۳- مقایسه مقدار میانگین مدیریت سود در دو گروه از شرکت‌های بادقت و بی‌دقت

برای مقایسه بین دو گروه مستقل می‌توانیم از آزمون مقایسه میانگین دو گروه استفاده نماییم. یعنی مقدار میانگین مدیریت سود برای شرکت‌هایی که دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی در آنها بالا می‌باشد با مقدار میانگین مدیریت سود برای شرکت‌هایی که دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی در آنها پایین می‌باشد، مقایسه می‌گردد.

چون داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند می‌بایست از آزمون‌های ناپارامتریک جهت مقایسه میانگین مدیریت سود در دو جامعه بادقت و بی‌دقت استفاده شود. در این تحقیق در صورت نرمال نبودن هم از آزمون t (پارامتریک) و هم از آزمون یومن‌وتنی (ناپارامتریک) جهت مقایسه میانگین نمونه‌ها استفاده می‌شود.

۱۶۲..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

۷-۳-۳-۱- آزمون t

قبل از آزمون برابری میانگین‌ها لازم است آزمون همسانی واریانس‌ها انجام گیرد در جدول ۶ ابتدا آزمون همسانی واریانس‌ها انجام گرفته است این آزمون با استفاده از آزمون لون انجام گرفته است (اگر مقدار سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض همسانی رد شده و در غیر این صورت رد نمی‌گردد) و بعد از آزمون همسانی واریانس آزمون برابری میانگین انجام می‌گردد. (آزمون برابری میانگین تحت همسانی واریانس و ناهمسانی واریانس انجام گرفته است)

جدول ۵- مقایسه میانگین مدیریت سود در دو جامعه

جامعه	میانگین
بی‌دقت	۰.۰۸۸۷
بادقت	۰.۰۷۱۸

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین مدیریت سود در دو جامعه

آزمون لون جهت بررسی همسانی واریانس	آزمون t جهت بررسی همسانی میانگین	
	آماره f	سطح معناداری
۳.۳۱۹	۰.۰۶۹	۲.۷۲۲
۰.۰۰۷	۰.۰۰۷	۲.۷۲۲

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

طبق جدول ۶، مقدار احتمال برای آزمون همسانی واریانس برابر با ۰/۰۶۹ می‌باشد یعنی واریانس این متغیر همسان می‌باشد بنابراین تحت همسانی واریانس مقدار سطح معناداری t برابر با ۰/۰۰۷ می‌باشد که نشانگر قبول فرضیه تحقیق می‌باشد یعنی میانگین مدیریت سود در دو گروه از شرکت‌های بادقت و بی‌دقت با هم برابر نمی‌باشد. طبق جدول ۵، میانگین مدیریت سود در شرکت‌های بی‌دقت بیشتر از شرکت‌های بادقت

تاثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی..... ۱۶۳

می‌باشد.

۷-۳-۲- آزمون یو-من و تنی

طبق جدول ۸، مقدار سطح معناداری Z برابر با ۰/۰۰۴ می‌باشد که کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود؛ یعنی میانگین مدیریت سود دو گروه از شرکت‌های بادقت و بی‌دقت با هم برابر نمی‌باشد. طبق جدول ۷، میانگین مدیریت سود در شرکت‌های بی‌دقت بیشتر از میانگین مدیریت سود در شرکت‌های بادقت می‌باشد.

جدول ۷- مقایسه میانگین مدیریت سود در دو جامعه

میانگین	جامعه
۳۰۰.۲۹	بی‌دقت
۲۶۰.۷۱	بادقت

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۸- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین مدیریت سود در دو جامعه

سطح معناداری	آماره Z	مدیریت سود
۰.۰۰۴	-۲.۸۹۴	

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج این آزمون می‌توان با اطمینان ۹۵٪ بیان کرد که میانگین مدیریت سود در شرکت‌های بادقت و شرکت‌های بی‌دقت برابر نمی‌باشد. میانگین مدیریت سود در شرکت‌های بی‌دقت بیشتر از شرکت‌های بادقت می‌باشد؛ یعنی مدیریت سود باعث کاهش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌شود.

۱۶۴..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

۴-۷- نتایج آزمون فرضیه تحقیق

جدول ۹- نتایج آزمون فرضیه تحقیق با استفاده از آزمون رگرسیونی

فرضیه	آزمون	آماره WALD	سطح معناداری	نتیجه فرضیه	تحلیل
مدیریت سود، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی را کاهش می‌دهد	کای مربع	۶.۷۶۶	۰.۰۰۹	عدم رد	مدیریت سود فرصت‌طلبانه است

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۱۰- نتایج آزمون فرضیه تحقیق با استفاده از

آزمون مقایسه میانگین مدیریت سود در دو جامعه

فرضیه	آزمون	آماره t		نتیجه فرضیه	تحلیل
		آماره Z	سطح معناداری		
مدیریت سود، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود	پارامتریک	۲.۷۲۲	۰.۰۰۷	عدم رد	مدیریت سود فرصت‌طلبانه است
عملیاتی را کاهش می‌دهد	ناپارامتریک	-۲.۸۹۴	۰.۰۰۴	عدم رد	مدیریت سود فرصت‌طلبانه است

* منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸- نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه تحقیق می‌توان چنین خلاصه‌بندی نمود؛ زمانی که مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی صورت می‌گیرد باعث کاهش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌شود یعنی هدف از انجام مدیریت سود جهت‌گیری به سمت تحریف گزارش‌های مالی و منافع فرصت‌طلبانه دارد. این نتیجه‌گیری با توجه به نتایج آزمون‌های زیر انجام شده است:

در آزمون وجود رابطه بین مدیریت سود و دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی مشخص شد که دارای رابطه معنادار و منفی می‌باشند.

همچنین در آزمون مقایسه میانگین مدیریت سود در دو گروه از شرکت‌های بی‌دقت و بادقت طبق مدل دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی مشخص شد که میانگین مدیریت سود در شرکت‌های بی‌دقت بیشتر از شرکت‌های بادقت می‌باشد.

در تحقیقات انجام شده در ایران درباره هدف از انجام مدیریت سود (جهت انتقال اطلاعات محرمانه یا به جهت تحریف گزارش‌های مالی و منافع فرصت‌طلبانه) بیشتر به منظور تحریف گزارش‌های مالی و منافع فرصت‌طلبانه می‌باشد. نتیجه تحقیقات انجام شده در کشورهای غربی نیز نشان می‌دهد که هدف از انجام مدیریت سود بیشتر به منظور تحریف گزارش‌های مالی و منافع فرصت‌طلبانه می‌باشد اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر به علت دخالت مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و همچنین قوانین و محدودیت‌های اعمال شده عوامل نظارتی آنها نظیر قانون سارینز آکسلی^۱ (۲۰۰۲) استفاده از مدیریت سود کاهش یافته است. در حال حاضر پیش‌بینی‌های

۱۶۶..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

حسابداری تا حدود زیادی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. از این رو احتمال مواجهه با دعوی‌های حقوقی و جزایی به طور محسوسی برای تمام شرکت‌ها حتی شرکت‌های سالم افزایش یافته است. این قوانین مدیران را به خاطر خطای پیش‌بینی‌های خود بیشتر در معرض اقامه دعوی از سوی سرمایه‌گذاران قرار داده است. از این رو مدیریت در ارائه پیش‌بینی‌ها باید با احتیاط بیشتری برخورد نماید.

نتایج تحقیق کی ژینگ لیو^۱ (۲۰۰۴) گواه این است که مدیریت سود پس از وضع قانون ساربینز- آکسلی نسبت به سال‌های پیش از آن به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. این امر به طور غیرمستقیم می‌تواند ناشی از محتاط‌تر شدن مدیریت در ارائه پیش‌بینی‌هایش باشد.

نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات داخلی مشایخی و همکاران (۱۳۸۴)، مهرانی و عارف‌منش (۱۳۸۷)، حقیقت و رایگان (۱۳۸۸) و بزازاده و دهقان (۱۳۹۰) و تحقیقات خارجی جرالد و جیان (۲۰۰۱)، ریچاردسون و همکاران (۲۰۰۲)، نوروها و همکاران (۲۰۰۸) و رینا و تاکیا (۲۰۰۹) که مدیریت سود با هدف فرصت‌طلبانه انجام می‌شود، مطابقت دارد. اما با نتایج تحقیق داخلی بهارمقدم و کوهی (۱۳۸۷) و تحقیقات خارجی تاکر و زاروین (۲۰۰۶) و قوش و اولسون (۲۰۰۹) مغایرت دارد.

همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه تحقیق مشخص شد که اندازه شرکت و دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی از طریق اجزای سود عملیاتی دارای رابطه معنادار و مثبت می‌باشند؛ یعنی هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی که شاخصی از کیفیت سود می‌باشد، افزایش می‌یابد. این نتیجه بیانگر آن است که شرکت‌های بزرگ به دلیل قرار گرفتن در معرض دید همگان از جمله عوامل نظارتی، حسابرسان مستقل و دولت (سازمان امور مالیاتی) و سرمایه‌گذاران. . . ملزم به ارائه اطلاعات مالی شفاف برای گروه‌های استفاده‌کننده می‌باشند. این یافته با نتیجه تحقیق خارجی کوهن (۲۰۰۴) مطابقت دارد. اما با نتایج

تأثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی..... ۱۶۷

تحقیقات داخلی نهندی (۱۳۸۸) و نوروش و همکاران (۱۳۸۴) و تحقیقات خارجی واتز و زیمرمن (۱۹۷۸)، موسس (۱۹۸۷)، مایرز و اسکینر (۲۰۰۲) و نلسون و دیگران (۲۰۰۲) مغایرت دارد. محدودیت تحقیق و پیشنهادات، جهت استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی و انجام تحقیقات آتی در ادامه آمده است.

اقلام تعهدی از طریق دو رویکرد اندازه‌گیری می‌شوند: (۱) رویکرد ترازنامه‌ای (۲) رویکرد گردش وجوه نقد. به دلیل محدودیت در به دست آوردن حصة جاری بدهی‌های بلندمدت در این تحقیق از رویکرد گردش وجوه نقد استفاده شده است. محاسبه ارقام تعهدی از این طریق ممکن دقیق نباشد، به دلیل اینکه ممکن است درآمدهایی وجود داشته باشند که عملیاتی نباشند در نتیجه در جریان وجه نقد عملیاتی منعکس نمی‌شوند، بنابراین زمانی که جریان وجه نقد عملیاتی از سود خالص کسر می‌شود این جریان‌های نقدی جزو ارقام تعهدی محسوب می‌شوند.

به استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی توصیه می‌شود موارد زیر را هنگام بررسی گزارش‌های مالی مدنظر قرار دهند:

۱. با توجه به نتایج این تحقیق در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مدیریت سود را به عنوان عامل منفی بر کیفیت گزارشگری مالی در نظر بگیرند.

۲. همچنین استفاده‌کنندگان می‌توانند از طریق چندین منبع اطلاعاتی (نه صرفاً گزارش‌های مالی) وضعیت اقتصادی یک شرکت را بررسی نمایند. بهترین شیوه بررسی وضعیت اقتصادی شرکت از طریق مراجعه به تحلیلگران مالی و استفاده از دانش و تخصص آنها در این زمینه می‌باشد. در این صورت استفاده‌کنندگان می‌توانند نوع مدیریت سودی که باعث انتقال اطلاعاتی درباره وضعیت آتی شرکت می‌شود و نوع مدیریت سودی که باعث تحریف گزارش‌های مالی می‌شود را شناسایی کنند.

۳. به تدوین‌کنندگان استانداردها توصیه می‌شود با توجه به نتایج این تحقیق در تدوین الزامات گزارشگری مالی مدیریت سود را به عنوان عامل منفی بر کیفیت

۱۶۸..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

گزارشگری مالی مدنظر قرار دهند و تا جایی که امکان‌پذیر باشد محدوده اختیار مدیریت را برای انجام مدیریت سود در جهت مثبت افزایش و برای انجام مدیریت سود در جهت منفی کاهش دهند.

۴. همچنین در تدوین الزامات گزارشگری مالی به اندازه شرکت‌ها (بزرگ، متوسط و کوچک) توجه لازم را مبذول نمایند.

۵. به دولت و سایر نهادهای نظارتی توصیه می‌شود که قوانینی را جهت جلوگیری از انجام مدیریت سود در جهت منفی تدوین نمایند.

همچنین به پژوهشگران علاقه‌مند به تحقیق در این حوزه موارد زیر توصیه می‌گردد:

۱. تبیین اثر شیوه انجام مدیریت سود (اینکه مدیریت سود از طریق چه اقلامی صورت می‌پذیرد) بر کیفیت گزارشگری مالی

۲. تبیین اثر نوع مدیریت سود (از طریق اقلام تعهدی مثبت و منفی) بر کیفیت گزارشگری مالی

۳. بررسی نقش حساب‌برسان در کاهش مدیریت سود (زمانی که با هدف فرصت‌طلبانه انجام می‌شود) و افزایش مدیریت سود (زمانی که با هدف انتقال اطلاعات محرمانه انجام می‌شود)

۴. بررسی نوع حساب‌برسان از نظر بخش خصوصی یا دولتی، کیفیت موسسه حسابرسی در نوع مدیریت سود به کار گرفته‌شده (مدیریت سود در جهت فرصت‌طلبانه یا در جهت انتقال اطلاعات محرمانه)

۵. بررسی آثار تدوین استانداردهای حسابداری در زمینه مدیریت سود بر کیفیت گزارشگری مالی.

منابع

- آذر عادل و منصور مومنی، (۱۳۸۵)، «آمار و کاربرد آن در مدیریت»، جلد دوم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسکات، ویلیام، (۱۳۸۸)، «تئوری حسابداری مالی»، علی پارساییان، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات ترمه، (۱۹۹۷).
- بادآور نهندي، یونس، (۱۳۸۸)، «تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل موثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- بزاززاده حمیدرضا و منصور دهقان، (۱۳۹۰)، «وجه نقد حاصل از عملیات و مدیریت سود: آزمون مدل k-s»، مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره نهم.
- بهار مقدم مهدی و علی کوهی، (۱۳۸۹)، «بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله دانش حسابداری، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۹، ۷۵-۹۳.
- تاری وردی یداله، (۱۳۸۶)، «حسابداری مالی»، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات ترمه.
- جبارزاده کنگرلویی، سعید و سعید خدایار یگانه و اکبر پورسلطان احمدی، (۱۳۸۸)، «بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و درماندگی مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران»، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۲، ۶۰-۸۰.
- خاکی، غلامرضا، (۱۳۸۸)، «روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی»، چاپ پنجم، انتشارات بازتاب.
- حقیقت حمید و احسان رایگان، (۱۳۸۷)، «نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش‌بینی سودهای آتی»، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۷، ۳۳-۴۶.

۱۷۰..... پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۳

شورورزی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «استفاده از خصوصیات کیفی مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ارزیابی کیفیت سود»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، (۱۳۸۵)، «استانداردهای حسابداری»، سازمان حسابرسی، چاپ دهم.

طالب‌نیا، قدرت. . . و اکرم تفتیان، (۱۳۸۸)، «پژوهش‌های مدیریت»، شماره ۸۳. مشایخی، بیتا و غلامرضا کرمی و کاوه مهرانی و ساسان مهرانی، (۱۳۸۴)، «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴، ۶۱-۷۴. مهرآذین، علیرضا، (۱۳۸۷)، «ارزیابی مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی در کشف مدیریت سود»، رساله دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. مهرانی کاوه و زهره عارف‌منش، (۱۳۸۷)، «بررسی هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، بهار ۱۳۸۷، ۱۵ (۵۱).

نیکومرام هاشم و حیدر محمدزاده سالطه، (۱۳۸۹)، «رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود»، فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۵.

نوروش ایرج و امین ناظمی و مهدی حیدری، (۱۳۸۵)، «کیفیت اقلام تعهدی و سود با تاکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی»، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال سیزدهم، شماره ۴۳.

نوروش ایرج و سحر سپاسی و محمدرضا نیکبخت، (۱۳۸۴)، «بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۲، شماره ۲.

Abed, suzan, Ali Al-attar, Mishiel Suwaidan, (2012), "Corporate Governance and Earnings Management: Jordanian Evidence", International Business Research, vol. 5, no. 1.

Barth, M. , D. Cram, K. Nelson, (2001), "Accruals And The Prediction

Of Future Cash Flows”, *The Accounting Review*, Vol 76, No 1, January 2001, 27-58.

Cohen, A. , (2004), “Quality Of Financial Reporting Choice: Determinants And Consequences”. A Dissertation, Northwestern University.

Ciaxing L. , (2004), *The Sarbanes-Oxley Act and Mitigation of Earnings Management*. A Dissertation, Hawai University.

Financial Accounting Standard Board (FASB), 1978, *Statements of Financial Accounting Concepts*, No. 1, Objectives of Financial Reporting by Business Enterprises.

Ghosh, Dipankar, Olsen Lori. (2009), Environmental uncertainty and managers’

use of discretionary accruals, *Accounting, Organizations and Society*. No. 34, pp. 188–205.

Jones, Jennifer, (1991), *Earnings Management During Import Relief Investigations*, *Journal Of Accounting Research*, Vol 29, No 2, Autumn 1991,193-228.

Kasznik R. , (1999), *On The Association Between Voluntary Disclosure And Earnings Management*, *Journal Of Accounting Research*, Vol. 37, No1, 57-81.

Lobo, J. Gerald, Jian Zhou., (2001), *Disclosure quality and earnings management*, *Asia-Pacific Journal Of Accounting And Economics*, Vol. 8, No. 1, 1-20.

Moses, O. D. , (1987), *Income Smoothing and Incentives: Empirical Tests Using Accounting Changes*. *The Accounting Review*, 11 (2), 358-77.

Noronha, Carlos, Yun, Zeng and Vinten G. , (2008), *Earnings management in*

China: an exploratory study, *Managerial Auditing Journal*, Vol. 23, No. 4.

Peasnell, K. V. , Pope, P. F. and Young, S. , (2005), *Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals*, *Journal of Business Finance & Accounting*, 32 (7) & (8).

Richardson, Scott, Irem Tuna, Min Wu, (2002), *Predicting Earnings Management: The Case of Earnings Restatements*, Online, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=338681> or doi:10. 2139/ssrn. 338681.

Rina Br Bukita and Takiah Mohd Iskandarba, (2009), *Surplus Free Cash Flow, Earnings Management and Audit Committee Int. , Journal of Economics and Management* 3 (1).

Scott,W. R. , (2003), *Financial Accounting Theory*, Prentice Hall, Scarborough.

Sivaramkrishnan, Shaokun, Carol Yu, (2008), *On The Association between Corporate Governance and Earnings Quality , Working paper*,